قالیباف: کنکور باید به تعویق بیفتد

محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس شورای اسلامی در نطق پیش از دستور خود خواستار به تعویق افتادن زمان برگزاری کنکور شد. به گزارش خانه ملت، قالیباف با اشاره به رعایت نشدن پروتکل‌های بهداشتی در کنکور مقطع دکتری ادامه داد: متاسفانه به وعده‌های داده‌شده در برگزاری کنکور دکتری عمل نشد و بی‌توجهی‌های تاسف‌آوری در برگزاری آن وجود داشت که خود نیازمند بررسی دقیق‌تر و پیگیری است اما به نظر می‌رسد تعویق زمان کنکور تا گذشتن از دوران پیك کرونا و خنك‌تر شدن هوا که امکان استفاده از ماسك به مدت چند ساعت میسر باشد، ضروری است.
رئیس مجلس به کمیسیون بهداشت و آموزش برای پیگیری رعایت پروتکل‌ها در برگزاری کنکور ماموریت داد و تصریح کرد: این کوتاهی‌ها، نگرانی مردم درخصوص برگزاری کنکور سراسری را بیشتر کرده است. سلامت دانش‌آموزان، خط قرمز مجلس است و کمیسیون‌های بهداشت و آموزش مجلس وظیفه دارند تا اطمینان از رعایت بهترین تصمیم در این خصوص، مطالبات مردم را از مسؤولان ذی‌ربط پیگیری کنند.

چه جریان‌هایی با وارونه جلوه دادن واقعیت به تحریم‌ها کمک می‌کنند

مجاری تحریف

مریم شریف‌زاده
سیاسی

یکی از محورهای مهم سخنان رهبری در سخنرانی تلویزیونی اخیرشان، تحریم‌ها و راهکار مقابله با آنها بود که با بحث جدیدی به نام تحریف همراه بود.

رهبر انقلاب اسلامی با تأکید بر این‌که به موازات جریان تحریم، یك جریان تحریف حقایق و واژگون نشان دادن واقعیات هم وجود دارد، گفتند: هدف این جریان، ضربه زدن به روحیه مردم و دادن آدرس غلط درباره علاج تحریم است.

همان‌طور که حضرت آیت‌ا... خامنه‌ای در این سخنرانی اشاره کردند این جریان، دو هدف را دنبال می‌کند. یکی این‌که مردم را نسبت به آینده و مسیر پیش روی انقلاب اسلامی ناامید کنند و دیگری این‌که جامعه را به این جمع‌بندی برساند که ایده‌های القایی از سوی دشمنان، راه حل مشکلات است.

چگونه می‌توان یك جامعه را ناامید کرد

جریان تحریف برای رسیدن به هدف اول خود از یك سو تلاش می‌کند تمام دستاوردهای انقلاب اسلامی را زیر سوال ببرد و از همین رو، تمام واقعیات کشور و آن چیزی را که به جمهوری اسلامی ایران است، واژگون نشان می‌دهد.
مصداق‌های این قضیه فراوان است و برخی رسانه‌های خارجی، رسالت اصلی خود را فعالیت در این حوزه تعریف کرده‌اند. یکی از آخرین و تازه‌ترین مصادیق آن، فضاسازی است که پس از رزمایش اخیر پیامبر اعظم (ص) در آب‌های جنوب کشور صورت گرفت و پس از رونمایی سپاه از دستاوردهای خیره‌کننده نظامی در این رزمایش، جریانی برای زیر سوال بردن این دستاوردها، تمرکز خود را روی ماکت ناو هواپیمابر و تصاویر منتشر شده از آن قرار داد و با شایعه‌سازی این‌گونه وانمود کرد که سپاه در انهدام این هدف ناکام مانده است؛ در حالی که اصلا سپاه قصد انهدام این ماکت را نداشت و همان‌طور که سردار رمضان شریف، سخنگوی سپاه دیروز اعلام کرد با توجه به پرهزینه بودن ساخت چنین ماکتی، نیروهای سپاه پس از ترمیم آن برای سایر برنامه‌های خود استفاده خواهند کرد و اصولا انهدام آن در برنامه نیروهای سپاه در رزمایش اخیر نبوده است.

> اگر جریان تحریف شکست بخورد قطعاً جریان تحریم هم شکست خواهد خورد زیرا عرصه کنونی میدان جنگ اراده‌هاست و اگر اراده ملت ایران مستحکم باقی بماند بر اراده دشمن غلبه خواهد کرد

این تنها یك نمونه از جوسازی‌هایی است که برای زیر سوال بردن دستاوردهای انقلاب انجام می‌شود و البته محدود به یکی دو مورد نیست. نکته جالب اینجاست که هرگاه دریچه‌ای از توانمندی‌ها و دستاوردهای جمهوری اسلامی ایران گشوده می‌شود این‌گونه جوسازی‌ها اوج می‌گیرد و البته پس از خط‌دهی از سوی رسانه‌های خارجی، عده‌ای هم درداخل دانسته یا ندانسته، همین خط خبری را پی می‌گیرند. هدفی که جریان تحریف در این بخش دنبال می‌کند، تضعیف روحیه مردم و ضعیف کردن نشاط و تحرك و امید مردم است و این موضوع، از اول انقلاب وجود داشته و در سال‌های اخیر با توجه به گسترش فضای مجازی، گسترش یافته است.

نسخه اشتباه

اما هدف دیگر جریان تحریف این است که جامعه را به این جمع‌بندی برساند که باید نسخه ارائه شده از سوی غرب را برای حل مشکلات بپذیرد و این نسخه همان است که آمریکایی‌ها از اول انقلاب برای پذیرش آن از سوی ایران تلاش می‌کنند.
آمریکایی‌ها از همان ابتدا تمام همت خود را روی این موضوع قرار داده‌اند که به مردم ایران القا کنند تمام مشکلات ناشی از قطع ارتباط ایران و آمریکاست و اکنون هم تنها راه‌حل مشکلات این است که این پیوند برقرار شود.
البته عده‌ای در داخل کشورمان نیز همین نگرش را دارند، در حالی که تجربه ۴۱ سال اخیر، خلاف این موضوع را ثابت می‌کند.
در بیش از چهار دهه که از انقلاب اسلامی می‌گذرد، تجربه ثابت کرده هرگاه کشور در مقابل دشمنان کوتاه آمده، غربی‌ها نه تنها از فشارها نکاسته‌اند، بلکه بر آن افزوده‌اند. با وجود همه این تجربه‌ها در سال ۹۲ به‌واسطه رای مردم، بار دیگر با مذاکره با آمریکا موافقت شد که نتیجه این مذاکره به برجام و بدعهدی‌های آمریکا و اروپا ختم شد و خسارت‌های زیادی به کشور وارد آمد.
پس از این ماجرا، خیلی‌ها که تا قبل از این تصور می‌کردند راه‌حل مشکلات کشور، مذاکره با آمریکا و کوتاه آمدن در مقابل غرب است، برایشان مسجل شد که از این مسیر دستاوردی نصیب کشور نخواهد شد و همه دستاوردها را نیز باید یکی پس از دیگری، تسلیم غرب کنیم.
با این حال جریان تحریف همچنان بی‌توجه به تجربه‌های گذشته بر همان نسخه اصرار دارد و تاکید می‌کند تا وقتی با آمریکا مذاکره نشود تحریم‌ها برقرار است و مشکلات کشور پابرجا.
البته تاکنون، جریان تحریف به اهداف خود نرسیده و با این‌که فضاسازی‌های این جریان، برخی را در داخل کشور مرعوب می‌کند، اما عموم جامعه با شگردهای این جریان آشنا شده‌اند و همین مساله باعث شده این جریان در دستیابی به اهداف خود ناکام بماند.
ناکامی این جریان می‌تواند به معنی این باشد که عملا تحریم‌ها نیز به نتیجه خود نرسیده‌اند؛ چرا که تحریم، عملا برای سست کردن مردم ایران در جنگ اراده‌هاست و همان‌طور که حضرت آیت‌ا... خامنه‌ای تاکید کردند: اگر جریان تحریف شکست بخورد، قطعاً جریان تحریم هم شکست خواهد خورد، زیرا اگر اراده ملت ایران مستحکم باقی بماند، بر اراده دشمن غلبه خواهد کرد.
جام‌جم در گفت‌وگو با برخی کارشناسان به بررسی ابعاد داخلی و خارجی تحریف و راهکارهای مقابله با آن پرداخته است.

جنگ روایت‌ها

محسن مهدیان
کارشناس رسانه

در مورد جریان تحریف و تحریم باید ابتدا صورت مساله مشخص شود. اصل تحریم در خدمت یک نوع جنگ ذهنی است. در اصل آنچه اهمیت دارد جنگ اراده‌هاست. در جنگ اراده، ذهن و ادراک مردم بسیار تاثیرگذار در اراده آنهاست. از این رو دشمن تمام تلاشش را می‌کند که اراده جامعه را تضعیف کند و برای تضعیف اراده جامعه است که تحریم را به‌کار می‌گیرد. اتفاقی که می‌افتد، این است که در کنار تحریم -که یک رویداد است- یک جنگ ذهنی هم به‌راه می‌اندازند که ادراک جامعه را تحت‌الشعاع قرار دهند و مردم نسبت به دو چیز شامل راه طی شده در این چهار دهه و دوم آینده، دچار بدبینی شوند. به عبارت دیگر از مسیر طی شده ۴۰ ساله گذشته پشیمان شوند و نسبت به آینده هم امید نداشته باشند. این دو اتفاق باید در جنگ ذهنی بیفتد. جریان تحریف چند شاخه است و باید دقت کرد صرفا در ضدانقلاب خلاصه نمی‌شود. جریان تحریف گونه‌های مختلفی دارد که اگر بنا باشد با آن مقابله کنیم باید همه آن گونه‌ها را بشناسیم. در میان این گروه‌ها، عده‌ای قلب واقعیت می‌کنند. گروهی یک مساله ساده را به عنوان مساله اصلی جا می‌اندازند. برخی مسائل کوچک را بزرگنمایی می‌کنند. بعضی هم موضوع جزئی را تعمیم به کل می‌دهند. گروهی از آنها هم مرتب با اخبار منفی سعی در سیاه نمایی در جامعه دارند. برخی دارایی یک جامعه را نمی‌بینند و صرفا نگاهشان به جنبه‌های منفی است. عده‌ای هم گرچه دارایی‌های جامعه را می‌بینند، اما سعی در حقیر نشان دادن یا تمسخر آن دارند. برخی هم هستند که وانمود می‌کنند گویی کل کشور تعطیل است و فقط آنها هستند که نقش قهرمان را در صحنه بازی می‌کنند. این گونه با همه شقوق آن در داخل و خارج مشغول تحریفند و البته همه آنها هم ضد انقلاب نیستند.
برای مقابله با این گونه‌ها و تحریف‌های صورت گرفته باید کل مردم وارد صحنه شوند، چون در جنگ روایت‌ها و ادراکی، صرفا رسانه‌های مرجع نیستند که می‌توانند مشکل را حل کنند، بلکه تمام مردم باید در نحوه پذیرش و اشتراک‌گذاری و انتقال پیام در فضای مجازی فعال باشند. به عبارت دیگر مردم باید مجهز به سواد رسانه‌ای باشند تا حقیقت ماجرا را درک کنند و دچار اشتباه نشوند و متعاقب آن باید پیام واقعی را انعکاس دهند و آن را بیان کنند. در جنگ روایت‌ها چون تک تک مردم راوی هستند در مسلط شدن یک روایت سهم دارند و از این رو همه باید در عرصه ورود پیدا کنند. همه آحاد مردم اعم از دانشجو، طلبه، زنان خانه دار، کاسب و... باید در جنگ روایت‌ها آرایش جنگی بگیرند.

بسترهای تحریف

فرشاد مهدی‌پور
تحلیلگر سیاسی

جریان تحریف، شاکله فراگیری است که در آن بازیگران متعددی حضور دارند و ممکن است نتوانیم آنها را به واحد سازمانی یا تشکیلات خاص یا منطقه جغرافیایی خاص تخصیص دهیم.
ممکن است برخی از این جریان در ایران، برخی در خارج، برخی فارسی‌زبان یا ... باشند، بنابراین با طیف وسیعی از این بازیگران مواجه هستیم که می‌توانند هر لحظه راجع به هر موضوعی تلاش کنند تا آن را به‌صورت وارونه جلوه دهند تا جایی که روزی تلاش کنند بگویند کوه دماوند فروخته شده‌است، اما مگر این موضوع امکان‌پذیر است؛ اما تحریف آن‌قدر پرقدرت و در برخی مقاطع موفق است که می‌توانند این‌گونه در بعضی مواقع القا کنند که عده‌ای می‌خواهند کوه را ببلعند.
این جریان تحریف که در بستر جنگ نرم رشد کرده و شبهه ایجاد می‌کند می‌تواند خودش را در افکار عمومی تعمیم داده و در بسترهای مختلفی هم حرکت کند.
یکی از این بسترها ناکارآمدی‌ها و بحران‌های اقتصادی در کشور است. کشور دچار مشکلاتی است که بخشی از آن ناشی از تحریم یا عملکرد مدیران است که همین موضوع باعث ایجاد خلل در حمایت افکار عمومی شده و به این ترتیب جریان تحریف سوار بر بستری که به‌وجودآمده در حرکت است. موضوع مهم دیگر چگونگی مدیریت این وضعیت است.
بخش زیادی از این بستر مبتنی بر رسانه است، تلویزیون‌های ماهواره‌ای، شبکه‌های اجتماعی- مجازی، اینترنت و سایت‌های خبری. بخش دیگر نخبگان حوزوی و دانشگاهی و به‌طورکلی افرادی هستند که مرجعیت فکری و نظری دارند که البته پیش‌بینی‌های این گروه از افراد که سعی در ایجاد تحریف دارند با واقعیت نهایی در تعارض است اما همچنان اظهارنظر و برای ایجاد تردید و شبهه‌افکنی تلاش می‌کنند. گروه بعدی نیز بخشی از عناصر دخیل در حوزه مدنی مانند هنرمندان، ورزشکاران و به تعبیری سلبریتی‌ها هستند. افرادی که درشؤون جمهوری اسلامی تربیت‌شده اعتباریافته و شناخته‌شده‌اند اما در مرحله‌ای به فردی تبدیل می‌شوند که علیه خودشان حرف می‌زنند. این چند گروهی که به آنها اشاره شد مجاری تحریف هستند.
مهم‌ترین نکته برای مقابله با آنها، تولید محتوایی است که به مردم قدرت تشخیص دهد البته در کنار این تولید محتوا، تفکیك صحیح و ناصحیح اهمیت بیشتری دارد. به این معنی که باید روی جنگ شناختی تمرکز کنیم و بتوانیم امکان و ابزار شناخت مردم را ارتقا دهیم. چراکه هرچقدر تولید محتوای خوب هم داشته باشیم اما مصرف‌کننده‌ای نداشته باشد فایده‌ای ندارد، بنابراین باید برای مصرف، شناخت و ادراك را تقویت کنیم تا با مفهوم همراهی کند. به همین ترتیب در حوزه رسانه باید ادراك و شناخت مردم را برای فهم جریان تحریف بالا بریم.

جهاد تبیینی و اطلاع‌رسانی هوشمند و به‌هنگام

مهدی فضائلی
تحلیلگر مسائل سیاسی

وقتی از واژه جریان برای تحریف استفاده می‌کنیم بار معنایی دارد و بیانگر کار سازماندهی شده و تشکیلاتی است. وقتی مفاهیمی در حوزه مسائل اجتماعی تولید می‌شود و قرار است با آن مقابله صورت گیرد باید به صورت جریانی باشد.
از ابتدای انقلاب تاکنون همواره از سوی این جریان برای ناامید کردن مردم، تلاش‌هایی صورت گرفته است و فعالیت‌های مثبت نادیده گرفته شده و برعکس فعالیت‌های منفی برجسته می‌شود. در همین ارتباط هم با گذشت زمان شاهد تاثیرگذاری بیشتر این جریان هستیم. بخشی از فعالیت این جریان، تحریف در خارج و بخشی نیز در داخل کشور است، به این معنی که هم دشمنان خارجی، این جریان را به صورت بسیار جدی دنبال می‌کنند و در این راستا رسانه‌های وابسته به آنها به‌عنوان محور اساسی و مستمر و بدون انقطاع این موضوع را دنبال می‌کنند و در عین حال بخش‌هایی هم در داخل کشور، این جریان را همراهی می‌کنند و حتی گاهی به بخش خارجی نیز پاس گل می‌دهند. طبیعتا بخشی از افرادی که در این جریان فعالیت می‌کنند، اقداماتشان از روی ناآگاهی است و بخشی نیز آگاهانه این اقدامات را انجام می‌دهند. برای مقابله با جریان تحریف، باید به‌صورت مستمر و کار سازماندهی شده فعالیت کنیم و به لحاظ محتوایی نیز به جهاد تبیینی نیازمندیم که در این ارتباط باید در موضوعات مختلف روشنگری کرده و اطلاع‌رسانی‌های هوشمند و به‌هنگام داشته باشیم.
در بخش اطلاع‌رسانی به‌هنگام، وقایع قابل توجهی داشته و داریم و موضوعات زیادی رخ می‌دهد که دیگران روایت‌های خود را درباره آن می‌گویند.
متاسفانه در برخی مواقع بعد از این‌که روایت‌هایی در جامعه جا می‌افتد تازه تلاش می‌کنیم روایت درستی از آن واقعه را بگوییم که در نتیجه به‌سختی می‌توان روایت قبلی را بی‌اعتبار کرد، پس باید با سرعت عمل بیشتری در جهت انجام روایت درست تلاش کنیم.
جریان تحریف در کشورمان مستمر است و در هیچ مقطعی این جریان متوقف نشده است. به این معنی که در هر مقطع زمانی که اتفاقی رخ می‌دهد این جریان برای منحرف کردن ذهن مردم نسبت به آن اقدامی انجام می‌دهد. در مواقعی که این جریان به متن ماجرا می‌پردازد به نوعی سعی می‌کند تحریف معنوی ایجاد کند، به این معنی که تلاش می‌کند در برداشت ایجاد شده از آن متن، تحریف ایجاد کند. در این راستا اگر بخواهیم یک نمونه ملموس ذکر کنیم می‌توان به دیدار نخست‌وزیر عراق و رهبری اشاره کرد. بعد از این دیدار حاشیه‌های مربوط به آن از جمله اتاق محل دیدار از جمله کولرها یا موکت آن اتاق از موضوعاتی بود که مطرح شد که البته ارتباطی به متن دیدار نداشته و اهمیتی نیز ندارد.
نوع دیگری از تحریف نیز زمانی است که در مورد متن، تحریف ایجاد شده و تحریف‌کنندگان بخش‌هایی را که به آن علاقه‌مند هستند به نوعی برجسته یا کمرنگ می‌کنند و اگر در بخش‌هایی قادر به ایجاد تحریف نباشند در برداشت از آن متن دستکاری و تحریف می‌کنند.
در مجموع باید گفت جریان تحریف قطعا در بزنگاه‌ها و مقاطع حساسی که موضوعات مهم‌تری رخ می‌دهد فعالیت بیشتری داشته و تلاش می‌کند تاثیرگذاری بیشتری داشته باشد و در همین ارتباط، انسجام بیشتری یافته و موج گسترده‌ای را نیز در جهت تحریف ایجاد می‌کند.

یادداشت

تلاش برای تحریف واقعیت بین‌الملل

علی خضریان
نماینده تهران

یکی از مسائلی که در حوزه روابط بین‌الملل جهت شناخت کشورها می‌بایست مورد توجه قرار گیرد، اصول سیاست خارجی این کشورهاست که عموما تغییرناپذیرند و با تغییر دولت‌ها دچار خدشه نمی‌شوند.
در این میان آمریکا نیز از این قاعده مستثنا نیست و در چارچوب آنچه تامین منافع ملی خود می‌داند در حوزه سیاست خارجی، کشورها را به گروه‌های مختلف تقسیم کرده است.
گروه اول کشورهایی هستند که آمریکا خیلی با این کشورها کاری ندارد و در عین حال که دوست دارد یك حکومت همراه در آن کشورها باشد و تلاش هم می‌کند، ولی دغدغه اصلی و مشکل اصلی و ناراحتی‌شان آن کشورها نیست. اینها کشورهایی هستند که نفت، گاز و موقعیت خوبی در دنیا ندارند. کشورهای کوچك، ضعیف، کم‌تاثیر که بدون منابع جدی هستند.
گروه دوم کشورهایی هستند که هم بزرگند و هم منابع گسترده‌ای دارند. منتها به دلیل تثبیت قدرت خود در نظام جهانی تعرض به اینها کار ساده‌ای نیست. روسیه، هند و چین جزو این دسته هستند. آمریکا با این دسته از کشورها به‌دنبال تفاهم سیاسی می‌رود.
گروه سوم کشورهایی هستند که آمریکایی‌ها به صورت سنتی در کشورشان سلطه و نفوذ دارند و خیالشان از آن کشورها کم و بیش راحت است. این کشورها همراه و همسو با آمریکا هستند. مثل رژیم حاکم در عربستان، ریاض منابع نفتی خوبی دارد، ولی دست آمریکاست. حتی بعضی کشورهای اروپایی نیز در این گروهند و علت اصلی بی‌عملی آنها در دوران خروج ترامپ از برجام این است که آمریکا در اروپا قدرتمند است. لذا اروپا در معادلات بین‌المللی در گروه همسو با آمریکاست. ایران دوران پهلوی در همین گروه همراه و همسو بود.
گروه چهارم دیگر کشورهایی هستند که در هیچ‌کدام از این سه گروه نیستند. امروز ایران در این گروه قرار دارد. به دلیل منابع نمی‌تواند در گروه اول باشد، هنوز پارامترهای قدرتش در نظام جهانی کامل نشده و در دسته گروه دوم نیست، به دلیل کنار زدن یك رژیم وابسته و همسو در سال ۵۷ نیز امکان حضور در گروه سوم را ندارد.
انقلاب اسلامی یك آدم آمریکایی را برداشت و تمام سرمایه‌گذاری آمریکایی‌ها را به‌هم زد.
در این میان جریانی در داخل کشور یا به دلیل این‌که مباحث بین‌المللی را خوب متوجه نمی‌شوند یا غلبه تفکر غرب‌زدگی مانع از درك صحیح واقعیات در عرصه بین‌الملل می‌گردد و فکر می‌کنند یك مصافحه، لبخند و قدم زدن می‌تواند ایران را از لیست گروه ۴ به گروه ۳ ببرد. این را نمی‌فهمند که گروه عوض کردن در سیستم آمریکا، به این راحتی نیست. شما نه‌تنها باید سیاست خارجی را عوض کنید و موشك، هسته‌ای و منطقه را واگذار کنید، بلکه باید حکومت را چه در عمل و چه ریشه‌ای تغییر دهید.
یعنی آن ساختار حکومتی که منجر به سیاست خارجی اینچنین شد، از منظر آمریکا باید عوض شود. چرا که اگر کشوری را از گروه ۴ به ۳ ببرد، به‌واسطه برداشته شدن تحریم‌ها، نفسی می‌کشد و اگر آن ساختار حکومتی را داشته باشد، دوباره شاخ می‌شود. زمانی کشوری را به گروه ۳ ببرد که مطمئن شوند ساختار حکومتی درست شده و هیچ احتمالی وجود ندارد که به آن وضعیت سابق بازگردد. نمونه بارز آن را می‌توان در نحوه مواجهه آمریکا با لیبی دوران معمر قذافی مشاهده کرد که در ۱۰ سال آخر حکومتش تمام سیاست خود را تغییر داد، ولی ساختار را عوض نکرد و خودش هم سرجای خودش بود؛ لذا طبق سیاست خارجی آمریکا او باید می‌رفت یا در مجموعه‌ای همچون اخوان‌المسلمین می‌توان این اصل سیاست خارجی آمریکا را مشاهده کرد که اصل حضور آنها در حکومت از نظر آمریکایی غیرممکن بود و این مساله‌ای بود که مرسی باور نداشت. اما گذر زمان نشان داد که مصر دوران مرسی با تمام همکاری‌هایی که با آمریکایی‌ها داشت، اما به‌دلیل این‌که یك رنگ و لعاب نصفه و نیمه اخوانی هم داشت، آمریکا در اولین فرصت آن را سر به نیست می‌کند. بنابراین این گروه‌بندی چهارگانه اجماع سیاست خارجی آمریکاست که با تغییر دولت‌ها در کلان تفاوتی نمی‌کند.
لذا تنها مسیر خروج از گروه ۴ پیوستن به کشورهای گروه ۲ است که از مسیر قوی شدن می‌گذرد؛ موضوعی که جریانی با تحریف واقعیات صحنه بین‌الملل در تلاش هستند تا مانع انسجام داخلی برای حرکت در این جهت شوند.